

چه کسی، پاسخ‌گوی عوارض جانبی تجویزات آموزشی است؟!

بروز و توسعه‌ی آن حاصل می‌گردد، ترکیب جرح و تعدیل شده، فرایند قبلی را طی می‌کند تا بالاخره، نتایج آزمایش‌ها نشان دهند که عوارض جانبی استفاده از دارو یا درمان جدید، به کم‌ترین میزان ممکن رسیده و علایم ریشه‌کن شدن بیماری - و در بعضی موارد کنترل بیماری، نمایان شده است. در این مرحله، جامعه‌ی پزشکی با اطمینان یافتن از مفید و بی‌خطر بودن دارو، مجوز تولید را صادر می‌کند. با این وجود، طبق قوانین سازمان‌های نظارتی در سطح بین‌المللی و ملی^۳، شرکت تولیدکننده‌ی دارو یا درمان، موظف است که روی بسته‌بندی دارو یا از طریق بروشور داخل بسته، به مصرف‌کننده نسبت به عوارض جانبی احتمالی دارو هشدار دهد و قید نماید که «در صورت بروز هر یک از عارضه‌های جانبی ذکر شده، دارو را بلافاصله قطع نموده و پزشک معالج خود را مطلع نمایید». یعنی، با وجود این همه غربال‌گری و دقت نظری و تجربی، باز هم این احتمال داده می‌شود که شاید بعضی افراد، در مقابل چنین دارو یا درمانی، حساسیت داشته باشند و به اصطلاح، در هنجار عمومی پیش‌بینی شده ننگند.

حال اجازه دهید از این تمثیل، برای داروها و درمان‌های تجویزی آموزشی استفاده کنیم و ببینیم چه فاجعه‌ای در حال وقوع است که هنوز نسبت به آن، یا کم‌اطلاع هستیم یا آن را جدی نگرفته ایم.

در ایران، با پدیده‌ی جدیدی در آموزش مدرسه‌ای مواجه هستیم که برای شناخت عمیق‌تر آن، از تمثیل مراحل تولید دارو و تجویز آن، استفاده می‌کنم. این پدیده‌ی جدید دو وجه متمایز دارد؛ یک وجه آن است که بالقوه، هر فرد خیرخواه تحصیل‌کرده‌ی علاقه‌مند، متدین مبتکر خلاق نوآور و با پشتکار

برای تولید یک داروی جدید یا ابداع درمانی برای یک بیماری خاص، قبل از هر چیز، آن بیماری، مورد مطالعه‌ی همه‌جانبه قرار می‌گیرد (فهم مسأله). سپس، با توجه به مطالعات نظری انجام شده و شناخت عمیقی که نسبت به بیماری حاصل می‌شود و با تکیه به پیشینه‌ی خانوادگی مبتلایان به آن، هم‌چنین، بررسی تأثیرات بالقوه‌ی اقلیمی بر بروز و توسعه‌ی بیماری و سایر عواملی که برای بنده‌ی عامی، ناشناخته هستند، متخصصان مربوط، تلاش می‌کنند تا راهی برای درمان یا کنترل بیماری و احتمالاً، تولید دارو و ابداع درمان اثربخش، پیدا کنند (طرح نقشه).

برای انجام این کار، و براساس نتایج تحقیقات وسیع مرتبط با بیماری مورد بحث، ابتدا ترکیب دارو پیشنهاد می‌شود و پس از تولید دارو در آزمایشگاه و تأیید نظری آن، دارو بر روی حیوانات آزمایش می‌گردد (که جزئیات این کار، خارج از بحث این نوشته است) و اگر نتیجه موفقیت‌آمیز بود، دارو بر روی چند داوطلب که خطرپذیرند، به‌طور مقدماتی آزمایش^۱ می‌شود (اجرای نقشه). این آزمایش، چندین بار بر روی چندین داوطلب انجام می‌شود و در صورت رضایت بخش بودن نتیجه، نوبت به آزمایش میدانی^۲ دارو بر روی جمع وسیع‌تری از انسان‌ها می‌گردد که همگی داوطلب هستند و به‌همه‌ی آن‌ها در ازای تهوری که به خرج می‌دهند و خطر ضایعات احتمالی را می‌پذیرند، حق الزحمه‌ی قابل توجهی پرداخت می‌شود.

به همت و با کمک این داوطلبان، عوارض جانبی دارو یا درمان جدید، شناسایی و پس از جمع‌بندی نتایجی که از مراحل مختلف آزمایش‌های مقدماتی و میدانی حاصل شده و بازبینی مجدد (دوباره‌نگری / به عقب بازگشتن) و با عنایت به یافته‌های جدید و فهم عمیق‌تری که نسبت به بیماری (مسأله) و شرایط

و با اصل و نسب و با پشتوانه و با مایه و با... و با... و... می تواند دست به تأسیس مدرسه یا مؤسسه‌ی آموزشی بزند. البته اگر هم در این کار با مانعی برخورد کرد، می تواند تجویزات آموزشی خود را به صورت کتاب، در اختیار مشتاقان تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کشور قرار دهد که صدالبته در انجام این مهم، تکنولوژی‌های جدید از جمله فناوری اطلاعات (IT) و فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) نیز به خدمت گرفته می شوند تا به اصطلاح، مصرف‌کننده‌ی احتمالی با انگیزه و علاقه‌مندی و هیجان بیش‌تری، مشتاق استفاده از این محصولات تجویزی جدید گردد!

اما وجه دیگر این است که تقریباً به فرایند مسأله‌یابی و حل مسأله‌ای که برای تولید یک دارو یا درمان جدید طی می شود، کم‌ترین اعتنایی نمی شود. متأسفانه، برخلاف دقتی که نسبت به فرایند تولید و مصرف دارو اعمال می شود و وجود سازمان‌های مسئولی که نظارت دائم بر این تولید و مصرف دارند، در وادی تعلیم و تربیت، چنین دقت و نظارتی تقریباً وجود ندارد یا اگر هم به طور صوری، نامی از آن‌ها برده می شود، نقش معنادار نظارتی ندارند. البته ممکن است بعضی‌ها تصور کنند کاری که دفاتر و سازمان‌های مسئول نظارت و ارزشیابی بر کار معلمان و مدارس انجام می دهند، با نقش سازمان‌های ذکر شده در مورد نظارت بر دارو، یکسان است. در صورتی که واقعاً چنین نیست. بحثی که در این جا مطرح است، بررسی عملکرد معلمان و مدارس به منظور اطمینان یافتن از کاهش افت تحصیلی و افزایش موفقیت (بخوانید نمره و معدل!) دانش‌آموزان نیست. بحث درصد قبولی در مدرسه و کنکور هم نیست. بحث اساسی این است که در حال حاضر، مدارس مختلف، اکثراً روش‌های غیرمستند به یافته‌های پژوهشی را در مورد آینده‌سازان اعمال می کنند و خوشحال‌اند که در رقابت با مدرسه‌ی رقیب، مخاطب بیش‌تری را برای سال آینده‌ی خود می توانند جذب کنند. اما چه نظارتی برای تجویز ابداعات به عزیزان دانش‌آموز ما وجود دارد؟ هر روز و هر سال، در گوشه گوشه‌ی ایران عزیز و به خصوص تهران بزرگ، شاهد تجویزات آموزشی جدیدی هستیم که اگر هر یک، مورد مطالعه‌ی جدی قرار گیرد، ممکن است جامعه از مواجه شدن با عوارض جانبی آن‌ها به وحشت بیفتد!

به عنوان مثال، می توان به اعمال تجویز عدیده و کثیره‌ای از قبیل آزمون‌های متعدد، تکلیف‌های متنوع برای خارج از مدرسه، تخصیص «معلم راهنما» برای دانش‌آموزان به قصد «برنامه‌ریزی»

نظارت بر لحظه لحظه‌ی زندگی مدرسه‌ای کودکان و نوجوانان از طریق تکمیل «چک لیست رفتار»، کلاس‌های «بازی»، «حل مسأله»، «آمادگی برای آزمون...»، و ده‌ها مورد مشابه که آشکارا انجام می شود و ظاهراً جز فشار بر جسم دانش‌آموزان، عارضه‌ی دیگری ایجاد نمی کنند، اشاره کرد. اما داستان نگران‌کننده، روی دیگر این سکه است؛ یعنی بسیاری از والدین و مسئولان مدرسه‌ای، به ابعاد وسیع و عمیق ولی پنهان عوارض جانبی این تجویزات، توجهی ندارند. این بی‌توجهی هم طبیعی است، زیرا تخصص‌های متنوع برای شناخت این عوارض لازم‌اند و مهم‌تر این‌که بسیاری از این عوارض، دیرتر بروز می کنند و زمانی نمایان می شوند که شاید خیلی دیر شده باشد و تأثیر منفی این تجویزات بر روح و روان دانش‌آموز، به اندازه‌ای عمیق باشد که دیگر امکان درمان وجود نداشته باشد.

دانش‌آموزان به شدت تحت فشارند و این فشارها، دیر یا زود، جمعی از آن‌ها را به بحران‌های شدید روحی و روانی می کشاند. اگر سری به مراکز مشاوره‌ی دانشجویی دانشگاه‌ها بزنید-جایی که محصولات این تجویزات آموزشی با هزاران آمال و آرزو به آن وارد می شوند-و با مشکلات این عزیزان آشنا شوید، در می یابید که اکثر آن‌ها، ناشی از عوارض جانبی آن تجویزات آموزشی است. اما چه کسی پاسخ گو است؟ چرا در موقع بروز بحران، پیشینه را کمتر می کاویم و تقصیر گناه ناکرده را به گردن جوانان نازنین و بی‌پناه می اندازیم؟ چرا به مسایلی که روح و روان دانش‌آموزان را زخمی می کنند، کمتر بها می دهیم؟ چرا موفقیت لحظه‌ای را به بهای نابودی سعادت درازمدت فرزندانمان خریداریم؟ چرا و هزاران چرا؟ چرا حاضریم که شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس فرزندانمان را خواسته یا ناخواسته، با موفقیت نمره‌ای وی معاوضه کنیم و به عوارض جانبی خطرناک و نابودکننده‌ی تجویزات منتهی به این موفقیت‌ها توجه به موقع نکنیم؟

به هوش باشیم که زمان محدود است و وقت تنگ و بعضی از عارضه‌های جانبی تجویزات آموزشی نابخردانه، آن قدر عمیق و نابودکننده هستند که برای درمان یا جبران آن‌ها فرصتی باقی نمی ماند.

زیرنویس‌ها

1. Pilot Trial
2. Field Trial
3. Food and Drug Administration (FDA)